

جنایاتتان بیرنگ شده، بساط لانه تزویر خود را برچینید !

امیر جواهری لنگرودی

amirjavaheri@yahoo.com

یادداشت:

قرار است که روز ۱۴ یونی ۲۰۰۷ بر پایه خبر سایت استکهلمیان بشکل زیر : «... بر اساس اطلاعات منتشر شده از سوی مقامات ایرانی آیت الله شاهرودی رئیس قوه قضائی ایران در روز پنج شنبه ۱۴ ماه ژوئن به مدت دو ساعت از ساعت ۸.۳۰ الی ۱۰.۳۰ به وقت استکهلم طریق یک ویدئو کنفرانس زنده با شهر استکهلم ارتباط صوتی و تصویری مستقیم برقرار خواهد کرد. در رابطه با» در خواست عفو و یا تخفیف مجازات» فرد زندانی در ایران آمده است که آیت الله شاهرودی راسا پیشنهاد عفو را صادر خواهد نمود. اما تاکید شده است که با « محکومین امنیتی» امکان استفا ده از این موقعیت را نخواهد داشت. همچنین اعلام شده است که متقاضیان می بایست قبل از روز چهارشنبه ۱۳ ژوئن (۲۳ خرداد) از طریق شماره تلفنهای مشخص، مراتب علاقمندی خود جهت شرکت در این صحبت تصویری دو طرفه با رئیس قوه قضائیه ایران را در اختیار سرپرست بخش کنسولی سفارت ایران در استکهلم قرار دهند و بتوانند در ساعت مقرر نیز در سالن مراجعین بخش کنسولی سفارت ایران در استکهلم حاضر شوند تا در تماس مستقیم و خصوصی تصویری با رئیس قوه قضائیه ایران قرار بگیرند.» در همین خبر آمده است : «... آیت الله محمود هاشمی شاهرودی رئیس قوه قضائی ایران از چندی پیش از طریق برپایی کنفرانس های زنده و دو طرفه تصویری (ویدئو کنفرانس) به رسیدگی به امور قضائی در نقاط مختلف ایران پرداخته است. اکنون نه تنها اعلام شده که چنین اقدامی برای اولین بار در چهار چوب تشکیلاتی تحت عنوان "اداره کل نظارت و پیگیری" در رابطه با ایرانیان مقیم خارج از کشور نیز صورت می گیرد بلکه بر اساس اطلاعات منتشر شده، شهر استکهلم بعنوان شهر آزمایشی در این رابطه در خارج از کشور در نظر گرفته شده است.» در این نوشته تلاش دارم بخش دیگری از بساط مشاطه گری و کارچاق کنی نظام اسلامی ایران را برملا کنم. بی گمان جامعه ایرانیان شرافتمند مقیم سوئد و سراسر جهان در برابر این همه پیشروی نظام سکوت نخواهند کرد. چرا که می توان به واقعیت بی اعتناء بود، ولی نمی توان از آن فرار کرد و گریخت یا چشم فرو بست و دم بر نیآورد!

برچیدن این همه بساط کلاشی و پدرسوخته بازی، لانه های ترور و تزویر، سالوس و دروغگویی، که با سرکیسه کردن مردم از طریق (سفارت کده) رژیم اسلامی ایران، فراهم می گردد. نه تنها در گرو مبارزاتی و حضور این و آن گروه، سازمان و حزب، بلکه می بایستی تمامی جامعه ایرانیان را زیر پوشش خویش گرد آورد.

این اواخر سردمداران سفارت خانه جمهوری اسلامی ایران در سوئد، هرازگاهی با عقب نشینی و گاه نوعی تهاجم به درون افکار عمومی جامعه ایرانیان سعی در گسترش بساط مکاره خود دارند. در شهر استکهلم سناریوی "رادیو سلام"، "مسجد امام علی"، راه انداختن "جروپلاس انتخابات هفتم" خاصه پرونده جاسوسی "مجید دراز گیسوی صادقی" و میدان داری "رادیو آوا" سکوت بی پایه اداره مخفی و امنیت سوئد "سپو" در این رابطه و بازتابش در "روزنامه مترو" در سوئد و پس آنگاه در شهر گوتنبرگ نیز سفرهای مخفیانه حسن قشقایی (سفیر جمهوری اسلامی در سوئد)، راه انداختن جلسات سینه زنی و مراسم عزاداری تاسوعا و عاشورا با چاشنی پلوقیمه و چلوکباب و یا خوراندن زولبیا و بامیا در شبهای احیاء و دعوت آخوند الهی قمشه ای و تبلیغ این مجموعه با اطلاعیه های پُرطمطراق و کشاندن آن به درون رادیو ها از طریق عوامل خویش، سفره اندازی به نام حضرت زهرا و آش نذری، و کشاندن سرکنسول رژیم به درون رادیوی محلی، بازکردن رد پاهای این هیولای هزارپا و بنوعی نمایش سفارتی ها در درون شهر گوتنبرگ هست.

می توان از یک سو، تنها نظاره گر این حوادث بود. چیزی نگفت و ننوشت و اقدامی را صورت نداد و از سوی دیگر می توان با اتکای به قدرت و توانایی خویش، این مجموعه را از ریشه خشکا ند. همواره هم گفته اند:

می توان به واقعیت بی اعتناء بود، ولی نمی توان از آن گریخت!

با سفر منوچهر متکی این قاتل فرزندان مردم ایران طی دوران سفارتش در ترکیه، امروز و آنگاه که با وزیر امور خارجه سوئد، آقای " کاربیل " نزد معامله می نواخت، مسئله دایر کردن کنسول گری در سوئد، یک پای این بده و بستان های معامله گرایانه بود.

پس از آن که جامعه ایرانی به خروش آمد تا به این سفر و این بند و بست ها اعتراض کند. ادعای دفاع از امنیت ملی سوئد در خیابانهای استکهلم، در برابر اعتراض جامعه ایرانیان مقیم استکهلم به این سفر، در لباس رزم پلیس ضد شورش، باتون بدست، با له له سگ و نیروی اسب سوار، در برابر معاملات آشکار و پنهان اقتصادی و سیاسی با پذیرایی گرم وزیر امور خارجه سوئد، به جولان در آمد. از سویی تنها انتشار خبر وزیر با یورش رسانه ای همه جانبه اپوزیسیون رژیم در استکهلم، آنهم طی چند روز، محل سخنرانی " منوچهر متکی " از این دانشکده به آن موسسه و وزارتخانه تغییر مکان می یافت و از سوی دیگر سفارت چی ها نیز، اسباب سور و سات را برای وزیر خود فراهم می ساختند. چرا که اپوزیسیون ایرانی اعلام داشته بود: جلسه متکی را بر سرش خراب می کنیم و زمین زیر پایش را می لرزانیم. به واقع نیز چنین کردند و اگر حمایت و پشتیبانی پلیس و چماقداری آنان و نیروهای امنیتی سوئد به مثابه نشست سران هشت کشور در رستوک (آلمان)، در تار و مار نیروهای جنبش ضد سرمایه داری عمل کرد. اینجا هم در برابر اپوزیسیون به خط نمی شد، منوچهر متکی ویلان و سرگردان خیابانهای شهر استکهلم بود!

با اینهمه آنچه در عرف دیپلماسی گذشت، نوعی رایزنی برای گشایش کنسولگری و تنظیم مناسبات کنسولی در سوئد، مشخصاً شهر گوتنبرگ، یک وجه معامله این سفر بود.

این جاست که وسایل کار فراهم می گردد. سپس افراد سر سپرده کنسولی سفارت، برای نوعی دق الباب و سنجیدن عکس العمل و واکنش اپوزیسیون و سنجش آزمایشی از میزان برانگیختگی و عکس العمل افکار عمومی جامعه ایرانیان ساکن غرب سوئد، علیرغم تودهنی خوردن چند باره از ایرانیان شهر استکهلم، خاصه در آستانه سفر منوچهر متکی، خود اربابان سفارتی بر آن شدند که تیری در تاریکی رها کنند. ضمن نشان کردن شهر گوتنبرگ (بوته بُوری)، دومین شهر ایرانی نشین در سوئد، زمینه کار را اسباب چینی کنند و نیروی خود را بسنجند.

برای انجام ای کاروبنوعی موجه جلوه دادن خود و برای ازسرواکردن کار خرابیهای پیشین خود، مستمسک تازه ای را در شهر گوتنبرگ به راه می اندازند. شخصی به نام " طباطبایی " که طی سالیان پیشماری در این شهر، بدور سفره این آقایان می نشست و ارتزاق می کرد. نامبرده اخاذی های پُر شماری را با دایر کردن دفتر و دستک که نوعی دارالوکاله و کارچاق کنی کمسولی سفارت بحساب می آمد. کارهایی از نوع - قانونیت بخشیدن به ازدواج گرفته تا طلاق، نقش اداره ثبت احوال، جهت دریافت شناسنامه برای نوزادان ایرانی گرفته تا صدور گذرنامه برای ایرانیان فراری دیروز که امروز قصد سفر به ایران دارند. یا دنباله گیری انتقال جسد آن دسته از ایرانیانی که وصیت کردند با پایان یافتن زندگی شان، جسدشان به زادگاهشان ایران حمل گردد، تا حل و فصل امور زمین، خانه و خرید خدمت سربازی جوانان ایرانی و انواع اخاذی ها و کارهای کنسولی و غیره ... به نیابت از سران رژیم ایران به انجام می رساند. جناب ایشان " طباطبایی " ایرا نیان نیازمند به اینگونه امور را، برای امور کنسولی، گاهاً حواله به ایران و آدمهای خود می داد و بخشا به سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم می سپرد و بدین طریق پولهای کلانی نیز از هر مراجعه کننده ای می ستاند.

این شخص (طباطبایی) پیشتر این تشکیلات خود را از طریق " رادیوی دیار " که تنها به کار تبلیغ موزیک و آمد و شد خواننده گان لوس آنجلسی و این اواخر تبلیغ پاره ای هنرمندان وطنی از داخل ایران مشغولند. این را از این جهت می گویم: که برای دعوت از آرتیست های ایرانی لوس آنجلس نیازی به سفارت نیست ولی آوردن آرتیست از ایران، بی نیاز به سازوکارهای سفارت نمی تواند باشد و دست اندر کاران این رادیو، حلقه ضعیف این معادله اند!

باری شاهکار دعوت اولی مسئول این رادیو از شخص " طباطبایی" برای معرفی بازار مکاره خویش، با واکنش همه جانبه فعالان سیاسی و به موقع روبرو شد و همین وسیله شد که مسئول این رادیو با عذرخواهی از عموم مردم و خاصه فعالان سیاسی ، به واسطه گی خود با مشارالیه یعنی شخص " طباطبایی" پایان دهد. این مسئول رادیو در برابر اعتراض مجموعه فعالان سیاسی و اجتماعی شهر، عقب نشینی کرد و چندین چند بار از سیاسیون شهر و شنونده گان خود عذرخواهی نمود. آنروز اعتراض خود من ، نه تنها به رادیو بلکه به فرکانس رادیویی ، همه مسئولین و دست اندر کارانش نیز بود ، تا چنانچه این عمل دلالی با عوامل سفارت ادامه یابد ، ما ضمن بایکوت این فرکانس ، شکایت همه جانبه ای نیز به مقامات خواهیم کرد. از آنروز تا به امروز دو سالی می گذرد و تغییر و تحولات چندی در این فرکانس اتفاق افتاد، از جمله مسئول آندوره اش خود پرونده ۴۰۰ هزار کرونی در دادگاه شهر بهم زده است و توسط مسئولین این دوره دنبال می گردد.

آنچه امروز اتفاق افتاد، صورت مسئله اش بر ما و لااقل بر من روشن نیست . با اینهمه برآیم؛ می تواند نوعی وام خواهی دیگر باره سفارتی ها از " رادیو دیار" تلقی گردد. چرا که این رادیو، همانطور که پیشتر هم یاد آور شدم؛ ظاهراً در این شهر، حلقه ضعیف این رابطه است. بدین معنی که اینبار خود سفارتی ها برای از میدان بدر کردن شخص " طباطبایی" ، شاید- از این نظر که در دستگاه ابواب جمعی باند احمدی نژاد نیست ، بلکه سر در آخور آن دیگران در درون کشور - داشته وبه کار و کاسبی مشغول است که این جنابان را بی خبر گذاشته است . اینان برای معرفی گشایش دفتر و دستک رسمی خود در این شهر، برپایه امکان سازی سفر منوچهر متکی ، و ظاهراً به بهانه از میدان بدر کردن " طباطبایی" اینبارسناریوی گفتگوی " عباس ضیاء الدینی" ، رایزن دوم و سرپرست بخش کنسولی ، سفارت ایران در استکهلم ، را از طریق مصاحبه با " رادیو دیار" گوتنبرگ و مسئولین آن (عباس ۲۰۰۰ و بهرام) تدارک می بینند.

مسئول " رادیو دیار" برای چگونگی باز شدن پای کنسول به رادیوی خود، اینگونه سخن می راند: « از آنجا که من شخص " طباطبایی" را به رادیو ام آوردم و او را معرفی کردم ، امروز که این آدم کلاه برداری می کند و اینبار نیز شخصی به من مراجعه کرد و اظهار داشت که " طباطبایی" برای راه انداختن کارش در مرحله اول مبلغ ۱۰ هزار کرون از او گرفته ولی کاری انجام نداد. همین شخص از مسئول رادیو می خواهد که کار او را پی گیرد تا این مبلغ را از " طباطبایی" پس گیرد . مسئول رادیو به اتفاق همین شخص راهی استکهلم می شوند و سفارتی ها نیز اعلام می کند: « سفارت جمهوری اسلامی در هیچ شهری نماینده ای ندارد. « یعنی شما نماینده ای در گوتنبرگ ندارید؟ کنسول گفت : « نه نداریم. ما در گوتنبرگ دفتری نداریم و چنین شخصی را هم نمی شناسیم . شما (مسئول رادیو) برای پیگیری کار این فرد شاکس ، می توانی وکیلش شوی تا پرونده ایشان را رسیدگی نمایم . من نیز خودم را وکیلش معرفی کردم و پرونده ای برای این آدم باز شد و ما دو نفر راهی گوتنبرگ شدیم! « ، در این میان مسئول " رادیو دیار" به زعم خویش، برای بر ملا کردن چهره شخص " طباطبایی" - آنگونه که خود اظهار می دارد- با چند تن از سیاسیون شهر به رایزنی می نشیند تا موافقت آنان را برای طرح مسئله اخاذی " طباطبایی" عامل سفارتی با آوردن شخص کنسول در رادیو خود ، برای افکار عمومی روشن گرداند . آن سیاسیون نیز به مسئول " رادیو دیار" با اجازه خویش اذن این کار را می دهند! بر پایه پیگیری همه جانبه فعالان شناخته شده شهر، سرانجام مسئول رادیو دیار، با حضور در مجمع عمومی بزرگ شهر (شنبه ۹ یونی ۲۰۰۷)، اسامی این سیاسیون را اعلام می دارد . معلوم شد سه تن بودند و باز هم معلوم گردید که این سیاسیون خود گرداننده "سه رادیو شهر" در همین فرکانس بودند . یک تن از سه نفر نامبرده نیز در جلسه حضور داشت. ضمن معرفی خود بعنوان مسئول دوره اخیر همین فرکانس، توضیح داد: که مسئول رادیو " بهرام" در شرایطی که بر نامه رادیو ما بعد از برنامه ایشان است ، ضمن اینکه من عجله داشتم تا برنامه خود را شروع کنم . از من نظر خواهی کرد که من قصد افشاء " طباطبایی" کلاه بردار سفارتی را دارم . من هم به مسئول " رادیو دیار" تنها برای افشای " طباطبایی" نه آوردن کنسول به رادیو موافقت خود را اعلام داشتم . ما در جلسه خود رادیو مشغول پیگیری این مسئله نیز هستیم و

به هر صورت برپایه هر روایتی، پای کنسول ایران از استکهلم در " رادیو دیار" گوتنبرگ بازمی شود. " عباس ضیاء الدینی کنسول" ، ضمن بیان مشعشعانه شاهکارهای خود و همکاری اش در سفارت که ما تا ساعت ۱۰ و ۱۱ شب بیدار می مانیم تا کار امت اسلامی را راه اندازیم . یاد آور می شود: « من بعضاً و در مواردی " رادیو دیار" را گوش می کنم و شما در واقع ملاحظه و همیاری خوبی با ایرانیان دارید و... ما بطور میانگین ماهیانه، بیشتر از ۱۵ تا ۲۰ هزار مراجعه کننده به سایت سفارت داریم که تکه عمده اش،

مربوط به بخش کنسولی است و ما سعی کردیم با بخش داخلی سفارت این بخش سایت را به روز کنیم... و ادامه می دهد: « ما هم سعی می کنیم به امید خدا، کار اینها را هرچه زودتر انجام دهیم. » این در حالی است که سایت استکلمیان می نویسد: « بیش از ۴۰ هزار پرونده در بخش کنسولی سفارت ایران در کنسول، بی پاسخ مانده است » طی این گفتگو کنسول یادآور شد: « این سفر اخیر که وزیر امور خارجه ایران (منوچهر متکی) در اینجا بودند، ما از زبان شما عزیزان در آنجا و ایرانیان گوتنبرگ با توجه به اینکه شناختی پیدا کردیم. برای اینکه دوستان مرتب بلند نشوند بیایند اینجا، درخواست ویژه سفارت و کنسولی این است که؛ انشاءالله یک کنسولگری در شهر گوتنبرگ دایر کنیم. این پیشنهاد را کتبا به اینها) وزیر امور خارجه سوئد) دادیم که می بایست اینها جوابش را بدهند تا مقدماتش فراهم بشود. البته شاید شما خبر نداشته باشید. ما خیلی مکاتبات زیادی با تهران کردیم، که بخشی از مجوزهای که باید حضوری در سفارت صورت گیرد را حذف کنیم. بسیاری از آنها را هم موفق شدیم که کم کنیم. » جدا از این، عباس ضیاءالدینی پیشنهاد شخصی و عام المنفعه دیگری هم داشت که از مغز خود ایشان تراوش کرده بود و در " رادیو دیار، گوتنبرگ" از آن سخن راند، مبنی بر اینکه: « پیشنهاد خود من به سفیر محترم ما این بود که تا مادامیکه سرکنسولگری آنجا باز شود، ما هر ماه، ماموریتی بدهند، انشاءالله یک تیم از اعضاء کنسولی ما، ماهی یک مرتبه یک هفته ای در گوتنبرگ مستقر شویم. تا بیشتر کارهایی که را که می شود در آنجا انجام داد، در فاصله یک هفته به هموطنان ما در همان محل انجام بدهیم این ماموریت ما می تواند از آمدن این بنده خدا ها به استکلم کم کند! » .

شنیدید که می گفتند: " یکی را به ده راه نمی دادند، سراغ کدخدا را می گرفت". این جناب کنسول در همان استکلم هم وجودش زیادی است، مشغول طرح ماموریت تراشی یک هفته ای و ایجاد سرکنسولی در شهر گوتنبرگ است. دلتان را به این خرده فرمایشات خوش نکنید. ما در این شهر با تمام قوا از خرد و بزرگ، پیر و جوان، کمر به استقبال شما بسته ایم و از همین امروز گوجه فرنگی های گندیده و تخم مرغ ها را انبار کرده ایم تا برای قدوم مبارک شما، نثاران کنیم!

شما هدفتان نه سرویس دادن به " بنده خدا ها" و کم کردن زحمت آنان در سفر به استکلم، بلکه نا امن کردن هرچه بیشتر جامعه ایرانیان و شکاف انداختن به درون ما و کاشتن تخم تفرقه و نفاق بین ما تبعیدیان و جامعه میزبان و گسترش دستگاه ترور و جاسوسی و در پی شکار مبارزین و فعالان شناخته شده و تحقیر پناهنده گان سیاسی هستید.

همین شما نیستید که در سفارتخانه ها یتان به تحقیر و ندامت آدمیان و مراجعه کننده گان کمر بسته اید و در برابر هر متقاضی این فرم را قرار می دهید که امضاء کنند تا فردا در پیشگاه شاهرودی قاتل و هر عمه واکره نظام و نمایش ویدئویی ایشان " تقاضای عفو" شان پذیرفته شود؟

این شما نیستید که به متقاضی حکم می کنید بنویس: « بسمه تعالی، احتراماً، اینجانب... فرزند... متولد / ۱۳ / در تاریخ / ۱۳ / از مرز..... خارج و به کشور فنلاند مهاجرت نمودم. پس از ورود، در خواست پناهندگی نموده که مورد موافقت قرار گرفت. حال با توجه به تسهیلات ارائه شده از طرف دولت ج. ا. ایران از پناهندگی خود اظهار ندامت نموده و از سفارت ج. ا. ایران در هلسینکی تقاضای صدور گذرنامه جدید دارم. تاریخ. امضاء «؟ عین همین فرم به شماره ۱۶۸/۳-۱ در سایت سفارت ج. ا. هلسینکی تا چندی پیش واز سرخربیت و حماقت سردمداران تان موجود بود. امروز عین همین فرم را در سفارت سوئد در شهر استکلم و به شهادت خیلی از مراجعه کننده گان، طلب می کنید؟ درست در چنین فضایی است که باز بر پایه گزارش سایت استکلمیان، شعبده دیگری راه اندازی شده تا تجدید آرایش جدید این مرحله از ناکامی خود را بشکل " آزمایشی" بر روی جامعه ایرانیان مقیم استکلم پیاده کنید. عیناً گزارشی که از سایت استکلمیان در ابتداء یادداشتهم آورده ام.

می پرسم: شما دور کشور دیوار کشیده اید و غیر از همپالگی هایتان، جامعه ای به وسعت تمامیت کشورمان، همه را در قفس کرده اید. هر روز دستگیری، احضار، آدم ربایی، زندان، شکنجه و محرومیت های سنگین برای این و آن می برید. محمود صالحی فعال جنبش کارگری را که در وضعیت ناگوار از کار افتادگی کلیه اش، همسرش نجیبه صالح زاده و همه اعضاء خانواده و همکاران وی در شهرستان سقز و کردستان را نگران کرده در زندان خود دارید. میزگرد اطلاعاتی و مطبوعاتی را که یارانش آقایان: محسن حکیمی - فریبرز رئیس دانا - علیرضا ثقفی و دیگران فراهم کرده اند، سانسور مطلق می کنید. برای منصور اسانلو ۲۰۰ میلیون تومان وثیقه می بندید و آزادش می کنید و دیگر بار به اتهام: « اقدام علیه امنیت ملی » و یا « تبلیغ علیه نظام » به ۵ سال زندان محکومش می کنید. فعالان

زن را به جرم ناکرده ، تجمع ۲۲ خرداد سال پیش ، هر لحظه احضار و به دادگاه می کشانید . دانشجویان را نشان دار و به ترک تحصیل وا می دارید و نشریات نشان را تعطیل می کنید . دهها ، صد ها و هزاران هزار کارگر را که تنها جرمشان صف بستن برای وصول دریافتی های ساعات کارگری خود در برابر صاحبان کار و سرمایه است را از کار بیکار می سازید . آنوقت در شهر استکهلم بنگاه آزمایشی " عفو ویدئویی " راه می اندازید؟

اینهمه نقض آشکار حقوق بشر را شما طی هر ثانیه و دقیقه ، ساعت و روز ، هفته و ماه ، سال و سال مرتکب می شوید و به کسی هم چه در درون جامعه و چه در سطح جهان، حساب پس نمیدهید . می خواهید به فراریان از کشور و انسان هاییکه می خواهند؛ برای مجموعه جنایات شما و به محاکمه کشاندن سران تان، دادگاه بین المللی تدارک ببینند ، تقاضای عفو قائل گردید؟ . آنان را به سر سرای خویش ، یعنی صحن لانه جاسوسی و ترور تان در استکهلم فرا می خوانید .

از این همه مادران و پدران که فرزندان آنان را به تیغه اعدام کشانده اید شرم نمی کنید؟

از این همه کارورزان قلم که در سراسر جهان آواره و دربرشان ساخته اید ، خجالت نمی کشید؟

با صراحت اعلام می داریم ؛ جنایتان رنگی ندارد، بساط تزویر و ریای خود را جمع کنید . جامعه ایرانیان ازادخواه و مبارزه ، همانگونه که به وزیر امور خارجه شما نشان داد ، به تفته ا لاسلام شما ، شاهرودی جنایتکار نیز نشان خواهد داد، اگر عفو در میان باشد ، این ما هستیم که باید شما را ببخشائیم . برای آدمکشان حرفه ای که این همه جنایت آفریدند چه جای بخشش و عفو؟

شما هنوز که هنوز است ، همچون لاجوردی جلاد، گیلانی جانی ، خلخالی خون خوار، خمینی دیو صفت ، برای به ندامت کشاندن ایرانیان آواره و پناهنده ، نقشه می کشید تا زبونی و تواب سازی را در بیرون از زندان های خویش، برای شکار آدمیان ضعیف النفس ، مهیا سازید. این ترفند جدید شما در استکهلم ، نیز اینبار پاسخ خود را از جانب جامعه ایرانیان برابری طلب و آزادیخواه خواهد گرفت .

ایرانیان سوئد اینبار نیز نشان خواهند داد ، نه نسبت به پیشروی مزورانه شما بی اعتناء هستند و نه در جنگ با شما هراسی به خود راه می دهند و نه عقب نشینی می کنند. چنانچه موفق شوید در بند وبستی دیپلماتیک با دولت سوئد کنار آئید تا دفتر و دستگاهی در شهر گوتنبرگ دایر سازید. تازه اول بد بختی تان خواهد بود.

ما در شهر گوتنبرگ (سوئد) برای یک رودرویی همه جانبه و پرو پیمان در برابر شما صف بسته ایم.

ما همانگونه که " رادیو دیار " را به معذرت خواهی چند باره واداشته ایم ، شما را نیز بر سر جایتان خواهیم نشانند. همان یک لانه تروریستی و تواب پروری درپایتخت کشور سوئد(استکهلم) برای شما کافی است. ما از همین امروز برای پذیرایی جانانه از شما ، بر پایه آنچه که در " رادیو دیار " بر زبان رانده اید، جامعه ایرانیان را برای دفاع از حیثیت خویش در برابر پیشروی شما مهیا می سازیم. در اینجا برای شما جای جولان و زندگی نیست. هم کنسول عباس ضیالالدینی و همه سفیر قشقاوی بدانند؛ فعالان سیاسی شهر گوتنبرگ در کنار هزاران هزار ایرانی آزادیخواه و شهروند مترقی سوئدی با ایجاد کمیته ای چند صدایی از دل فراخوان روز شنبه ۹ یونی ۲۰۰۷ ، خود را مهیای کارزاری بلند مدت با شما کرده ایم. در این نبرد برد با شما نیست . می خواهید امتحان کنید. این گوی و این میدان!